نظارت و پيشگيرى در سيره پيامبر اعظم صلى الله عليه وآله وسلم‏

سجاد چوبينه‏

مقدمه‏

رشد، پيشرفت و توسعه جامعه، اعم از كوچك يا بزرگ، ساده يا پيچيده، در گرو سلامت نظام مديريتى آن است. از طبيعى‏ترين و كوچكترين اَشكال جامعه، يعنى خانواده تا پيچيده‏ترين و تشكيلاتى‏ترين آنها، كه سازمان‏هاى مديريتى كلان و در نهايت تشكيلات گسترده يك نظام سياسى است، براى به ثمر رسيدن تلاش‏هاى برنامه ريزى شده خود و تحقق خواسته‏هاى مطلوب خويش، نيازمند پيگيرى امور و مراقبت و نظارت بر روند اجرايى كارها و كنترل مداوم تا كسب نتيجه است. بدون اين اصل، بالنده‏ترين قانون‏ها، بهترين برنامه‏ها، و عالى‏ترين ايده‏ها در اجرا، يا دچار نقص و نارسايى و انحراف مى‏شود يا به هيچ وجه عملى نخواهد شد.

تبيين اين اصل و مدل‏هايى از نحوه تحقق آن و بحث از همه لوازم و نتايج و جوانب فرعى‏اش نيازمند گفتار و نوشتارى، بيش از حد و اندازه يك مقاله است. اما در حجمى محدود نيز مى‏توان سرفصل‏هاى مهم همراه با تحليل‏هاى مختصرى از آن را ارائه داد. بر اين اساس، در اين جا به بررسى اجمالى اين موضوع مى‏پردازيم و آن را در سيره و سنت رسول اكرم - صلى الله عليه و آله و سلم - پى مى‏گيريم.

اصل نظارت خود به طور اعم يكى از راهكارهاى اصلى پيش‏گيرى قبل از وقوع است؛ و علت آن جلوگيرى از خطاها و لغزش‏هاى احتمالى يا به حداقل رساندن آنهاست؛ ولى در اجراى اين اصل، به كارگيرى شيوه‏ها و روش‏هايى كه پيشاپيش زمينه‏هاى انحراف و خطا را از بين مى‏برد يا كم مى‏كند، نيز موضوعى قابل بررسى است.

پيشگيرى نظارتى، با توجه به اين كه هزينه را پايين آورده و از تلفات كاسته و خسارت‏ها را كاهش مى‏دهد، امر بسيار مهمى تلقى شده است؛ و در همه مديريت‏هاى موفق به كار گرفته مى‏شود. اصلى كه در كنار آن، با صرف كمترين هزينه مى‏توان بيشترين بازدهى را به دست آورد.

امروزه، مانند همه دوره‏ها، نظارت پيش‏گيرانه يا پيش‏گيرى نظارتى، از مهم‏ترين ابزارهاى مديريت فعال محسوب مى‏شود كه همت و هدف او همواره جلوگيرى از وقوع خطاست. بر عكس، مديريت منفعل، سياست بعد از وقوع خطا و انحراف را در پيش مى‏گيرد. بديهى است نظارت از نوع اول، بهترين نظارت و اجرا در رشد و پيشرفت است.

با نگاهى به آيات و روايات در اين‏باره، به ويژه سنت و سيره گفتارى و رفتارى پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله -، در مى‏يابيم: « جهت‏گيرى اصلى مديريت اخلاقى، فرهنگى، دينى، سياسى‏و... دين، در دو حوزه ساختارى فرد و جامعه است كه، بر اصل پيش‏گيرى و نگاه عميق و دقيق به ريشه‏ها، قبل از ديدن و پرداختن به پديده‏ها و پيامدهايش است.» بسيارى از دستورهاى اخلاقى اسلام، قانون‏هاى وضعى و تكليفى دين، و فرمان‏هاى سياسى و حكومتى رهبران الهى، بهترين راه‏هاى پيش‏گيرى را ارائه، تبليغ، ترويج، و در موارد گوناگون اجرا كرده‏اند .

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - در طول دوران پيامبرى‏اش با بهترين اسلوب و بر اساس اصل پيش‏گيرى قبل از وقوع، به اصلاح جامعه پرداخت.

آن حضرت، بر اساس شناخت واقعى از انسان و نيازهاى همه جانبه او و جامعه انسانى، آفت‏ها و نقص‏هاى سطح‏هاى مختلف جامعه خويش را شناسايى كرد. ابتدا با بيان راه‏هاى پيش‏گيرى از آن آفت‏ها و نقص‏ها و راهنمايى‏هاى لازم در منطق نظرى يا عملى، با اين‏گونه انحراف‏ها مبارزه كرد و آنگاه كه مى‏ديد بيمارى به گونه‏اى است كه جز با داغ كردن، قابل معالجه نيست؛ و ممكن است با عدم درمان، آفت، رشد يابد و پيكره فرد يا فضاى جامعه را متعفن كند، به اين آخرين راه درمان اقدام مى‏كرد. البته اين هم در جاى خود، عملى پيش‏گيرانه محسوب مى‏شود.

جهت‏گيرى اساسى تدبيرهاى دينى در عرصه‏ها و موضوع‏هاى مختلف اخلاقى، فرهنگى، سياسى، اجتماعى... و يا دو گرايش « سازندگى فردى و اجتماعى» بيشتر بر اساس اصل پيش‏گيرى است. به عنوان مثال: در حوزه معارف دينى ما، به تقوا، كه قوى‏ترين نگهبان درونى انسان از آلودگى به گناه است، بيش از هر امر ديگرى توجه شده است؛ و قرآن كريم از آن به عنوان بهترين توشه، در سير و سفر تكاملى انسان، ياد كرده است. (1) بديهى است اين تأكيد و حساسيت، بيشتر به سبب ماهيت پيش‏گيرانه‏اى است كه اين گوهر گران‏بها در خود دارد.

همچنين مبارزه با « اصل»، كه بيش و پيش از مبارزه با « فرع» اهميت دارد، و شناسايى و مقابله با « علت»، كه مقدم بر « معلول» است، حجم زيادى از اصول و قواعد كتاب و سنت را تشكيل مى‏دهد. اگر مى‏بينيم قرآن كريم « افشاى جريان نفاق» را بر « افشاى منافقان» مقدم داشته و بر اولى تأكيد و به آن اقدام كرده است؛ بر همين مبناست. اگر كتاب خداوند « ايجاد فتنه» را از« قتل» بدتر مى‏داند،(2) اين نيز بيان‏گر همين معناست؛ و آنگاه كه پيامبر خدا - صلى الله عليه و آله - از ورع و دورى از گناه به عنوان بهترين عبادت ياد مى‏كند(3)، مؤيد همين ديدگاه است؛ يا آن كه مى‏بينيم، در بيان فلسفه محورى‏ترين عبادت، نماز، ابتدا به بُعد پيش‏گيرانه آن از فحشا و منكر اشاره شده؛ و سپس به بُعد ديگر آن، يعنى يادآورى و ذكر خدا به همين دليل است(4). اين موارد نمونه‏هايى اندك، از فراوان نمونه‏هايى است كه به « مبارزه با جرم و پيش‏گيرى از آن» پيش از « مقابله با مجرم» و پيش از « وقوع جرم»، عنايت دارد.

در منطق عملى پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - به قواعد و اصولى در بعد نظارت و مراقبت، توجه شده است كه خود از ماهيتى پيش‏گيرانه برخوردار است و به كارگيرى آنها به طور طبيعى و بدون صرف هزينه‏هاى نظارتى مرسوم و معمول، فرد و جامعه را، در موقعيت مصونيت ذاتى از خطا و لغزش، قرار مى‏دهد. علاوه بر چنين امورى كه پيش‏گيرى، ماهيت ذاتى آنهاست؛ مى‏توان روش‏هاى متغير و انعطاف پذيرى را در سنت نبوى شناسايى كرد كه با شرايط و موقعيت‏هاى مختلف مطابق است.

در اين مقاله به مواردى اشاره مى‏شود كه يا از ماهيتى پيش‏گيرانه برخوردارند؛ يا در صدد بيان روش‏هايى هستند كه مى‏تواند از وقوع بسيارى از ناهنجارى‏ها جلوگيرى كند؛ ويا ضمن دارابودن ماهيت پيش‏گيرانه، روش‏هايى را هم در اين باره آموزش مى‏دهند.

شايسته سالارى يا واگذارى امور به اهلش‏

درصد زيادى از حجم اشتباه‏ها و انحراف‏ها، به نيروى انسانى بر مى‏گردد. به همين دليل، سمت و سوى‏نظارت هم، به طور معمول متوجه اين عنصر اصلى است؛ و ضرورت آن هم، ناشى از خطاهاى عمدى يا سهوى است كه در اين عامل رخ مى‏دهد. بنابراين، مؤثرترين و بهترين راه پيش‏گيرى از زيان در يك سيستم، كه بيشتر ريشه در خطاها و لغزش‏هاى انسان دارد، « واگذارى امور به اهل آن و گماردن افراد مناسب بر سر آن كارها» است. اين نوع ساختار مطلوب مى‏تواند سيستم تشكيلاتى را در وضعيتى قرار دهد كه نياز به نظارت‏هاى هزينه‏بر را كاهش داده و كمترين آسيب را متوجه تشكيلات كند. ماهيت اصلى اين سياست اصولى بر مبناى تقدم « سياست دفع» بر « سياست رفع» است. اين امر به عنوان اصلى بالنده و پيش برنده، مورد توجه قرآن كريم بوده، و مى‏فرمايد:

«ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها»(5)

«خداوند به شما فرمان داده است كه امانت‏ها را به اهلش واگذاريد.»

اين قاعده را درسيره عملى پيامبر گرامى اسلام نيز، به عنوان ضابطه كلى و اولى در واگذارى منصب‏ها، شاهديم. آن حضرت از به كارگيرى عناصر ضعيف و شكننده در پست‏هاى حساس حكومت اسلامى پرهيز مى‏كرد. وى در سفرهاى خود كه از مدينه خارج مى‏شد و براى خود جانشينى انتخاب مى‏كرد، هرگز از اين افراد استفاده نكرد؛ فرماندهى جنگ را به آنان نسپرد؛ و در اعزام مبلغ يا اميرانى كه به شهرهاى اطراف مى‏فرستاد نيز از آنان استفاده نكرد. از منافقان كه مهره‏هاى خطرناك جامعه بودند هرگز استفاده نكرد؛ زيرا مى‏دانست اگر آنان را به مقام و منصبى منصوب كند، بى‏گمان آن جايگاه را فرصتى براى ضربه زدن به اسلام و مسلمانان يا حداقل، موقعيتى براى خواسته‏هاى مادى خويش، تلقى كرده و در اين جهت اقدام مى‏كردند. در سفارش‏هاى آن پيامبر بزرگ به امت است كه فرمود:

« هر كه فردى را بر ده نفر بگمارد در حالى كه مى‏داند در ميان آنان فردى شايسته‏تر از او هست، بى گمان به خدا و پيامبرش و همه مسلمانان خيانت كرده است.»(6)

وقتى پسرعموهاى ابوموسى از آن حضرت درخواست كردند كه بخشى از زمامدارى مسلمانان را به آنها بسپارد، فرمود:

« به خدا سوگند! ما هرگز به كسى كه خود درخواست حكومت كند يا بر كسب آن حريص باشد، حكومت و زمامدارى نخواهيم داد.»(7)

حضرت در طول دوران رسالتش، به كسى از بستگانش اجازه نداد، فقط به سبب نزديكى به او، از امتياز خاصى، به خصوص امتياز مديريتى، برخوردار شود.

امام صادق - عليه السلام - فرمود: وقتى آيه زكات نازل شد، عده‏اى از بنى هاشم، از رسول خدا تقاضا كردند كه به سبب خويشاوندى، جمع‏آورى زكات را به آنان واگذارد، تا از حقوق مادى « عاملين زكات» برخوردارشان كند. حضرت امتناع فرموده و تقاضاى آنان را رد كرد.(8)

به هنگام فتح مكه، يعنى زمان اوج قدرت اسلام و مسلمانان در سرزمين عربستان، بر كوه صفا ايستاد؛ و ضمن خطبه‏اى به وابستگان خويش فرمود:

«اى فرزندان بنى هاشم! و اى فرزندان عبدالمطلب! نگوييد محمد از ماست. به خدا سوگند! دوستان من، از ميان شما و غير شما، جز تقوا پيشگان نيستند.»(9)

حذر و احتياط

بخشى از دستورهاى دين اسلام در حوزه اخلاق و سياست، مبنى بر رعايت اصل احتياط، براى پيش‏گيرى از دچار شدن به سختى‏ها و گرفتارشدن در دام گناهان است؛ تا جايى كه اهتمام به آن، راه نجات معرفى شده؛ و بى اعتنايى به آن، علت افتادن در چاه و چاله‏هاى گرفتارى‏ها، و ورود به دايره زشتى‏ها بيان شده است.

بر همين اساس، پيامبر اسلام دورى از شبهه‏ها را براى پيش‏گيرى از عدم ارتكاب حرام، مورد سفارش قرار داده و بر آن تأكيد خاصى كرده است. از ابوعبدالله نعمان بن بشير روايت است كه گفت: شنيدم پيامبر - صلى الله عليه و آله - فرمود:

«به درستى حلال خدا و حرام خدا روشن و آشكار است؛ و ميان حلال و حرام كارهايى است كه به گونه‏اى به حلال و حرام شبيه است كه بسيارى از مردم آنها را نمى‏دانند. به حقيقت، كسى كه خود را از شبهه‏ها نگه مى‏دارد، دين و ناموس خود را حفظ كرده است؛ و كسى كه در شبهه‏ها افتاد و از آنها پرهيز نكرد، در حرام مى‏افتد؛ مانند چوپانى كه شتران خود را در اطراف مكان حفاظت شده‏اى، براى چرا آزاد مى‏گذارد، و در نهايت به چرا كردن در آن حريم، نزديك مى‏شوند.»(10)

بر اساس اين روايت و روايات ديگرى كه در اين باره وجود دارد مى‏توان عموميت فضيلت احتياط را استنباط كرده و از مديران و مأموران حكومتى انتظار بيشترى داشت.

ضرورت رعايت اصل احتياط كه يكى از شيوه‏هاى كارآمد در اصل پيشگيرى است، همواره مورد تأكيد قرآن كريم بوده و در موارد متعدد به آن تذكر مى‏دهد. به عنوان نمونه درباره ضرورت تحقيق كامل در تصميم‏گيرى‏هاى مهم و عمل نكردن بر اساس اخبار نامطمئن و دقيق فرمود: «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! اگر فاسقى براى شما خبرى آورد، تحقيق كنيد....»(11)

در بيان ضرورت پيش‏گيرى از روبه‏رو شدن با خطر، خوف از خطر را جواز اقدام پيش‏گيرانه دانسته؛ و مى‏فرمايد:

«هرگاه از خيانت گروهى بيم داشته باشى، به طور عادلانه به آنها اعلام كن كه پيمانشان لغو شده است.»

براى جلوگيرى از ايجاد بى‏عدالتى در خانواده و مشكلات همراه آن بعد از بيان مشروعيت تعدد زوجات مى‏فرمايد: «فان خفتم الا تعدلوا فواحدة»(12)

بر همين مبنا، پيامبر گرامى، در ماجراى مرگ فرزند هجده ماهه‏اش ابراهيم، كه همزمان با آن، خورشيد گرفت با باور غلط مردم به طور جدى و اصولى مبارزه كرد، تا از رايج شدن اين گونه مسائل، كه به طور عمده از زمينه روانى خوبى در ميان مردم برخوردار است، جلوگيرى كرده باشد.

روشنگرى، آموزش، پند

پيامبر خدا، پيامبر تبليغ است؛ و آنچه براى اصلاح فرد و جامعه ضرورت دارد، مورد عنايت اوست. آموزش مى‏دهد، تا با ابلاغ، بر همگان حجت را تمام كند؛ و پند مى‏دهد، تا زنگار از دل‏ها زدوده و آنها را پاك گرداند.

اين آموزش و اندرز، در سيره حكومتى آن حضرت در مواجهه با مديران مورد تأكيد و عنايت بيشترى بوده، و شكل جدى‏تر و در عين حال شفاف‏ترى مى‏گيرد. « نظارت آموزشى و تذكارى» حضرت، درباره اميران يا فرماندهان و يا فرمانداران، به طور معمول و مداوم در شيوه حكومتى وى به چشم مى‏خورد. حضرت، اصولى كه بايد مورد توجه آنان باشد، به ايشان يادآورى مى‏كرد و ضمن تفهيم مواردى كه مأموريت اصلى يا جنبى آنها بود، بر آنان به نوعى اتمام حجت مى‏كرد و ايشان را براى انجام هر چه بهتر وظايفشان آماده مى‏كرد. اين آموزه‏ها به طور معمول در قالب دستورهاى حكومتى است كه از پيامبر ثبت شده و به يادگار مانده است. مانند: دستور حضرت به معاذ بن جبل، حاكم يمن، عمرو بن حزم، عتاب بن اسيد، حاكم مكه و ديگران.

اين روشنگرى‏ها بى‏گمان مى‏تواند از بسيارى از كجروى‏ها و لغزش‏هاى احتمالى مسئولان بكاهد و از آنان محافظت كند. در كتاب صحيح مسلم آمده است «هنگامى كه پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - شخصى را فرمانده سپاه يا سريه مى‏كرد، او را به طور خاص به تقوا توصيه مى‏كرد؛ و مى‏فرمود: با نام خدا صبح كنيد. با كافران بجنگيد، ولى حيله نكرده و مكر نسازيد (بديهى است حيله‏هاى معمول و مشروع جنگى منظور نيست) كسى را مثله نكنيد و خردسالان را نكشيد.»(13)

توصيه‏هاى حضرت كه در اين موارد حكم قانون را دارد، بسيار شفاف، جدى و غير قابل تأويل و تفسير به رأى است و اين باعث مى‏شود كه از همان ابتدا با پيشگيرى از فرار از قانون يا سوء استفاده از آن در قالب‏ها و مدل‏هاى تفسيرى و برداشت‏هاى شخصى و ذوقى از آنها جلوگيرى كند.

پوشيده نيست كه سلامت قانون در كنار ساير گزينه‏هاى بازدارنده، از جمله: سلامت مجريان قانون، ضرورتى غير قابل انكار بوده؛ و ناديده گرفتن آن مى‏تواند روزنه‏هاى فراوانى را بر روى خطاهاى علمى و عملى بگشايد.

قانون بايد از استحكام و شفافيت لازم برخوردار باشد تا مجرى قانون نه راه گريز از اجراى آن داشته باشد؛ و نه توان توجيه و تأويل نادرست و غير واقعى از آن را در خود ببيند. قوانين بايد از سه عنصر اصلىِ جامعيت، مانعيت و شفافيت برخوردار باشند و اين عناصر به طور كامل در دستورها و سيره قانونگزارى رسول خدا - صلى الله عليه و آله - رعايت شده است. حتى در برخى از مسائل جديد نيز اصحاب را به اصل شبهه گريزى و رها كردن متشابهات، توصيه و آنان را تا روشن شدن حقيقت، به تقوا سفارش مى‏كرد.

از امام حسن - عليه السلام - روايت شده است كه پيامبر خدا فرمود:

«آنچه تو را به شك مى‏اندازد، رها كن؛ و آنچه تو را به شك نمى‏اندازد، بگير.»(14)

نظارت ملى‏

اگر انسان بداند يا حتى احتمال دهد كه تحت نظارت است بهتر و محافظه كارانه‏تر عمل خواهد كرد. در فرهنگ دينى عملكرد دست اندركاران حكومتى زير نگاه نظارتى مردم بوده؛ و آنان مى‏بايست از روند كارى مسئولان خود اطلاع داشته باشند. مردم نبايد منتظر بمانند برنامه‏ريزان و مجريان حكومت در انتخاب و اجراى هر سياستى به دلخواه خويش عمل كنند؛ يا گاهى در انجام وظايف خويش بى‏كفايتى به خرج دهند. از سوى ديگر، مسئولان نيز بايد اين نوع نظارت همگانى مردم را پذيرفته و آماده شنيدن انتقادهاى سازنده آنان باشند؛ و باور كنند اين امر راه حلى سازنده براى سازندگى است؛ و ارج نهادن به آن مى‏تواند به كاهش اشتباه‏ها و جريان بهتر امور بيانجامد. اين نظارت عمومى، نوع خاصى از فريضه امر به معروف و نهى از منكر است.

بايد بدانيم و همچنين بپذيريم كه نصيحت و سفارش به حق، بر اساس اصل «تواصوا بالحق»(15) در بطن و متن دين ما و از متون اصلى معارف اسلامى است، و اجراى صحيح آن داراى بركت‏هاى فراوان و نتيجه‏هاى سازنده‏اى است.

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: «همه دين نصيحت است.»(16)

در سيره عملى آن حضرت به مواردى برمى‏خوريم كه بعضى از اصحاب موضع و برخورد رسول خدا را نپذيرفته و مورد انتقاد قرار مى‏دهند. حضرت با شرح صدرى كه مختص آن بزرگوار است، با آنان برخورد كرده؛ و اقدام خود را توجيه و انتقاد آنان را پاسخ مى‏دهد. نمونه‏اى از اين موارد، نحوه تقسيم غنايم هوازن است كه انصار، با توجه به اين كه از غنايم سهمى به آنان نرسيد، ابتدا انتقاد شديد و موضع تندى داشتند. حضرت آنان را به حضور طلبيد، به سخنان آنان گوش داد و با منطقى گوارا و توجيهى مناسب آنان را قانع كرد، و با آنان به گونه‏اى برخورد كرد كه همگى با گريه و ابراز احساسات خشنودى و رضايت خود را از اين اقدام حكيمانه اعلام كردند(17).

مراقبت تشكيلاتى بر كاركرد كارگزاران يا « نظارت خاص»

در اداره حكومت‏ها، حاكمان همواره افرادى مطمئن و كارآمد را براى كنترل كار مديران برمى‏گزينند و عملكرد آنان را به مسئولان عالى رتبه گزارش مى‏دهند. اين نوع نظارت و كنترل كه به شيوه مخفى انجام مى‏گيرد، نقش بسيار مؤثرى در سالم‏سازى نظام ادارى دارد. در تاريخ حكومت پيامبر اسلام اين شيوه توسط حضرت، بنيانگذارى و حكومت‏هاى بعد از ايشان نيز، اين سنت تشكيلاتى را در شكل نظام ادارى جا دادند. امام رضا - عليه السلام - فرمود:

« سياست پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - همواره بر اين بود كه هرگاه لشكرى را به منطقه‏اى گسيل مى‏داشت، فرماندهى براى آن تعيين مى‏كرد و همراه او، فردى از افراد مورد اطمينان خود را، به عنوان گزارشگر، مى‏فرستاد تا براى او، از نحوه عملكرد آن فرمانده، گزارش دهد.»(18)

اين مأموران كه به عنوان « عيون» در فرهنگ اسلامى از آنان تعبير شده است، مى‏بايست در تعهد و كارآمدى از مطمئن‏ترين افراد باشند تا بتوانند به منزله « چشم نظام» عمل كنند. در عين حال، مى‏بينيم ناظران دقيق‏تر و كامل‏ترى نيز به طور مخفيانه بر عملكرد اين ناظران مراقبت دارند.

امام على - عليه السلام - ضرورت وجود اين گزارشگران صادق و امين را در تشكيلات، به مالك اشتر يادآورى كرده و به او مى‏نويسد:

« پس در كارهاى كارگزارانت كاوش نما و جاسوسانى از مردم راستگو و وفادار به خود، بر آنان بگمار؛ زيرا مراقبت نهانى تو در كارهايشان، آنان را به رعايت امانت، و مدارا در حق رعيت، وا مى‏دارد.»(19)

پيامبر اسلام - صلى الله عليه و آله - نيز قضاتى را براى قضاوت ميان مردم، بر اساس احكام وارده در قرآن كريم، منصوب، و آنان را به صدور احكام عادلانه سفارش مى‏كرد. در عين حال، احكام اين قضات، نهايى تلقى نمى‏شد و هر دو طرف دعوا مى‏توانستند در صورتى كه نسبت به حكم صادر شده، اعتراضى داشته باشند، از حضرت تقاضاى بررسى دوباره حكم كنند. حضرت با اين شيوه، خود بر كار قضات نظارت مى‏كرد.

توجه و توصيه به عامل‏هاى بازدارنده و اقدام‏هاى پيشگيرانه‏

حجم زيادى از سنت گفتارى و همچنين منطق عملى پيامبر سفارش و تأكيد بر امورى است كه آنها را بايد « علت‏ها و موانع رفتارى» ناميد. اينها ترغيب كنندگانى هستند كه براى ايجاد انگيزه‏هاى رفتارى به هنجار و پيشگيرى از رفتارهاى نا به هنجار بسيار مؤثر و مناسب‏اند. شايد به همين سبب است كه « بشارت و انذار» از مهمترين مأموريت‏هاى پيامبران است؛ زيرا اين بخش از تبليغ از مهم‏ترين عامل‏هاى بازدارنده از بدى‏ها و زشتى‏ها، و ايجاد انگيزه نسبت به خوبى‏ها و زيبايى‏ها است.

بخشى از اين توصيه‏ها، همراه با بيان فلسفه و تبيين سود يا زيان آن عمل است، كه مى‏تواند قدرت تأثير گذارى آن را بيشتر كرده و انگيزه براى انجام يا انصراف از عمل شود. مثلا مى‏فرمايد:

«اياك و خصلتين: الضجر و الكسل. فانك ان ضجرت لم تصبر على حق و ان كسلت لم تؤد حقا.»(20)

«بر حذر باش از دو خصلت: شتابزدگى و تنبلى؛ زيرا اگر شتابزده شوى، نمى‏توانى حق را تحمل كنى؛ و اگر تنبلى كنى هيچ حقى را ادا نمى‏كنى.»

يا درباره ضرورت پرهيز از تأخير و تسويف مى‏فرمايد:

«يا اباذر! اياك والتسويف بعملك فانك بيومك؛ و لست بما بعده... يا اباذر! اذا اصبحت فلا تحدث نفسك بالمساء؛ و اذا امسيت فلا تحدث نفسك بالصباح.»(21)

« اى ابوذر! بر حذر باش از تأخير انداختن كارها؛ زيرا سرمايه نقد تو روزى است كه در آن هستى و معلوم نيست بعد از آن را داشته باشى... اى ابوذر! هنگامى كه صبح كردى به خود وعده شب را نده؛ و هنگامى كه شب شد به خود وعده روز را نده.»

حضرت با تأكيد بر قدرت بازدارندگى « اقامه حدود» فرموده است:

«حدٌّ يقام لله فى الارض افضل من مطر اربعين صباحاً.»(22)

«حدى كه براى خداوند در زمين جارى شود، از باران چهل شبانه روز بهتر است.»

برخى توصيه‏هاى تربيتى حضرت نيز، در همين زمينه است. آن حضرت در رابطه با « پيشگيرى از ايجاد انگيزه‏هاى جنسى و زودرس» در ميان كودكان و نوجوانان مى‏فرمايد:

«بستر خواب كودكان ده ساله؛ پسر بچه از پسر بچه، پسر بچه از دختر بچه، و دختر بچه از دختر بچه، جدا شود.»(23)

«قسم به آن كه جانم در دست اوست اگر مردى با همسرش مجامعت كند و در خانه كودكى باشد كه آنان را مى‏بيند و صدا و نفسشان را مى‏شنود، هرگز سعادتمند نخواهد شد؛ اگر پسر باشد زانى (مردى زناكار) و اگر دختر باشد زانيه (زنى زناكار) خواهد شد.»(24)

«پسر بچه‏اى كه از هفت سالگى گذشته، نبايد زنى‏[نامحرم‏] را ببوسد.»(25)

در همين جهت اصل « تشويق و تنبيه» نيز از روشهاى كارآمد و بسيار مفيد است، كه مى‏تواند منجر به ايجاد يا از بين بردن انگيزه‏هاى رفتارى در افراد شود. فراوانى تشويق‏ها و تنبيه‏هاى زبانى و عملى پيامبر بزرگ اسلام نسبت به اصحاب در موارد و مواضع مختلف، بيانگر اهميت و تأثيرگذارى آن است.

اميرالمؤمنين - عليه السلام - ضرورت توجه به اين اصل را در نامه‏اش به مالك اشتر اين گونه بيان مى‏فرمايد:

«مبادا نيكوكار و بدكار در ديده‏ات برابر آيند، زيرا اين گونه برداشت، رغبت نيكوكار را در نيكى، كم كرده و زشتكار را به بدى وا مى‏دارد.»(26)

روش‏هاى پيشگيرانه در مقابله با بحران‏هاى احتمالى‏

قدرت انتزاعىِ ذهن فعال، و آمادگى عقلانى مدير خردمند است كه همواره او را وا مى‏دارد تا در صدد شناسايى پيشآمد احتمالى و برخورد به موقع و مناسب، با هر اتفاق و پديده باشد. شناسايى خطرها، بحران‏ها و مشكل‏هاى احتمالى از يك طرف، و كشف راه مناسب، و كسب آمادگى براى برخورد با اين موارد از سوى ديگر، لازمه مديريت ناظر و آينده‏نگر است؛ كه با در نظر گرفتن هدف، و توجه به مسير متصل به مقصد، و دقت در جنبه‏هاى مختلف كار، او را بر تصميم‏گيرى‏هاى مفيد و بازدارنده قدرت بخشيده و يارى مى‏دهد. نمونه‏هايى از اين روش‏هاى تدبيرى پيامبر اعظم را در اينجا مورد اشاره قرار مى‏دهيم.

پيامبر اسلام با منافقانى كه به ظاهر در زمره ياران حضرت به شمار مى‏آمدند ولى هيچ سنخيتى با پيامبر، و دعوت و آرمان و يارانش نداشتند، به گونه‏هاى مختلف برخورد مى‏كرد؛ و اين تفاوت در برخوردها، بيانگر انعطاف‏پذيرى سياسى، استفاده از فرصت‏ها، انتخاب بهترين شيوه برخورد در حل مسائل، آينده‏نگرى، حساسيت خردمندانه و غير احساسى نسبت به همه مسائل؛ و در نهايت نظارت دقيق، و همه جانبه او بر محيط اجتماعى تحت اداره‏اش است. برخورد پيامبر با اين دسته، از « مدارا، موعظه، اندرز (27) و احتياط در ارتباطات» تا «قطع رابطه(28)، تهديد، تبعيد (29)، تخريب پايگاه آنان،(30) اخراج آنان از مسجد و منزوى كردن(31)» شكل‏هاى گوناگونى داشته است.موضع گيريهاى مختلف براى خنثى كردن توطئه‏هاى پيچيده گروهى خطرناك، بيان‏گر نظارتى عميق و پيشگيرانه است؛ كه مى‏تواند از خسارت آنانى كه كمر به ضربه‏زدن بسته بودند، جلوگيرى كند. حضرت با استفاده از فرصت‏ها و موقعيت سنجى‏هاى مداوم، از ميان گزينه‏هاى مختلف، بهترين گزينه را انتخاب و بهترين اقدام پيشگيرانه را در پيش مى‏گرفت. وى درباره استفاده از فرصت‏ها مى‏فرمايد:

«الامور مرهونة باوقاتها.»(32)

كارها در گرو زمان‏ها و فرصت‏هاى خاص خودشان اند.»

بديهى است استفاده از فرصت‏ها را بايد در بطن و متن آينده‏نگرى دقيق جست‏وجو كرد. در مورد موقعيت‏سنجى و اقدام مناسب با شرايط مختلف، فرموده است:

«الفرار فى وقته، ظفر.»(33)

«فرار به موقع، نوعى پيروزى است.»

يكى ديگر از نمودهاى زيباى نظارت پيشگيرانه رسول خدا - صلى الله عليه و آله - سرسرى نگرفتن امور و حساسيت به‏جا و به اندازه به خرج دادن نسبت به اتفاق‏هايى است كه در جبهه‏هاى داخلى و خارجى رخ مى‏داد.

از سخنان آن پيامبر بزرگ است كه فرمود:

«هيچ چيزى از شر و زشتى را كوچك نشماريد، گرچه به چشم شما كوچك آيد؛ و هيچ چيزى از خير و خوبى را نيز بزرگ و زياد نشماريد، گر چه به چشمتان بزرگ آيد.»(34)

حضرت در جبهه داخلى مسائل و مشكل‏هاى فردى و اجتماعى اصحاب را به دقت مورد ملاحظه قرار داده، و با توجه خاص، و با ارائه راه‏حل‏هاى مناسب، به گشايش آنها اقدام مى‏كرد. در امور مختلف كه گاه نياز به همراهى اصحاب داشت، با برآوردهاى واقعى از توانايى‏هاى اصحاب، نيازمندى‏هاى طبيعى آنها، حالات روحيشان و...، برنامه‏هاى خود را طرح مى‏كرد؛ و هرگز امورى را كه، هر چند كوچك و كم‏اهميت بودند، از نظر دور نمى‏داشت. روشن است بى توجهى به اين نوع مسائل مى‏تواند زيان‏هاى جبران ناپذيرى در پى داشته باشد؛ و در نظر گرفتن آنها نيز مى‏تواند از اين زيانها جلوگيرى كرده، و به پيشبرد كارها كمك كند. نمونه‏اى تاريخى از سيره پيامبر اسلام كه مؤيد اين موضوع است، ذكر مى‏كنيم:

محمد عبدالقادر ابوفارس در تحليل و توصيف غزوه احزاب، مى‏نويسد:

«هنگامى كه پيامبر - صلى الله عليه و آله - از هجوم لشكريان احزاب آگاه شد و تصميم گرفت از مدينه به طرف خندق حركت كند، به اصحاب دستور داد اهل و عيال خويش را در حصن و حصار بنى حارثه قرار دهند تا از خطر دشمن در امنيت كامل باشند. اين كار تأثير زيادى بر حفظ روحيه سربازان داشت؛ زيرا هنگامى جنگجو نسبت به زن و فرزندش در امنيت خاطر باشد، با احساس امنيت و آرامش درونى، بدون اين كه اين امور فكرش را مشغول كند، تمام امكانات و توان فكرى و بدنى خود را براى جنگيدن به كار مى‏گيرد. ولى اگر اين‏گونه نباشد، سرباز جنگى در اضطراب درونى قرار مى‏گيرد، و توان جنگيدن از او سلب مى‏شود، و از انجام وظيفه باز مى‏ماند. ادامه اين شرايط در نهايت منجر به ضعف و زبونى و شكست خواهد شد... آن حضرت با ايجاد شادى‏هاى ظريفانه هنگام مشاهده خستگى ياران، نشاط روحى آنان را تقويت مى‏كرد و با مشاركت جستن در همه كارها و كمك كردن به آنان و همچنين سخت‏گيرى نكردن در اجازه به ايشان براى انجام امور شخصى‏شان، آنان را همواره در يك آمادگى كامل جسمى و روحى نگه مى‏داشت.»(35)

بى شك از تحليل اين نوع اقداهاى پيشگيرانه در سيره پيامبر اعظم - صلى الله عليه و آله - كه از فراوانى چشم‏گيرى نيز برخوردار است، مى‏توان بهترين قواعد راهگشاى مديريت خرد و كلان، در همه عرصه‏هاى سياسى، فرهنگى، اخلاقى، تربيتى، علمى، اجتماعى و... را به دست آورد؛ و با به كارگيرى و عمل به آنها جامعه‏اى سالم، بالنده و پيشرو را بنيان نهاد.

پي نوشت ها:

1) سوره بقره(2) آيه 197.

2) سوره بقره(2) آيه 191.

3) اقبال، سيد بن طاووس، خطبه شعبانيه.

4) سوره عنكبوت(29) آيه 45.

5) سوره نساء(4) آيه 58.

6) كنزالعمال فى سنن الاقوال و الافعال، على بن حسام الدين متقى، ج‏6، ص‏19.

7) صحيح مسلم، ج‏2، ص‏207؛ صحيح بخارى، ج‏9، ص‏704.

8) الكافى، كلينى،ج‏4، ص‏58.

9) بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، ج‏21، ص‏111.

10) صحيح بخارى، صحيح مسلم؛ به نقل از اربعون نووى، محى الدين نووى، حديث 6.

11) سوره حجرات(49) آيه 6.

12) سوره نساء(4) آيه 3.

13) صحيح مسلم با شرح نووى، ج‏2، ص‏27.

14) اربعون نووى، محى الدين نووى، حديث 7.

15) سوره عصر(103) آيه 3.

16) اربعون نووى، حديث 7

17) المغازى، واقدى، تحقيق دكتر مارسدن جونس، چاپ بيروت، ج‏3، ص‏956 - 958.

18) قرب الاسناد، ص 148.

19) نهج البلاغه، نامه 53.

20) مكارم الاخلاق، ص‏502 به نقل از الحياة، محمد رضا حكيمى.

21) بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، ج‏77، ص‏75.

22) وسايل الشيعه، ج‏18، ص‏308.

23) وسايل الشيعه، ج‏20، ص‏231.

24) همان، ص‏133.

25) اسلام و تربيت فرزند» ترجمه تقى متقى، فصلنامه فرهنگ جهاد، سال نهم، شماره 4.

26) نهج البلاغه، نامه 53.

27) سوره نساء(4) آيه 63

28) سوره توبه(5) آيه 95

29) سوره احزاب(33) آيه 60.

30) سوره توبه(9) آيه 107 تا 110.

31) سيره ابن هشام، ج‏2، ص‏528

32) بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، ج‏77، ص‏165.

33) همان.

34) همان، ج‏73، ص‏355.

35) غزوه احزاب، محمد عبدالقادر ابوفارس، ص‏98.